کاندید اکادمیسین سیستانی ۲۰۲۱ /۱۲ /۲٦

آیا اصلاحات امانی،غلط بود یاعمداًغلط تعبیر میشود؟

دولت های ملی مکلف اند تا برای رفاه وسعادت جامعه خود دست به کارشوند وبا تدوین برنامه ها وتنفیذ قوانین مدنی قبل ازهمه عدالت را با تطبیق قانون درجامعه تأمین نمایند.

شاه امان الله نیز وقتی به عنوان نماد مشروطیت به قدرت رسید ، دم ازاستقلال وتامین عدالت سخن زد،می باید به وعده اش عمل میکرد و جامعه را که سالیان متمادی به علت فقدان استقلال کامل سیاسی ونبودقوانین ونهادهای قضائی وحقوقی به انواع بدبختیها وبی عدالتی های اجتماعی واقتصادی دوچار بود، از ورطهٔ فلاکت وبدبختی نجات بدهد و بجای آن یک دولت ملی وقانونی استوار برپایه های ارکان سه قوهٔ (اجرائیه،تقنینیه وقضائیه) ایجاد نماید. برای تحقق چنین هدفی او پس از کسب استقلال کامل سیاسی از استعمار انگلیس(که نخستین دست آورد بزرگ مشروطه خواهان بود) دست به ابتکار تدوین یک سلسله قوانین و نظامنامه ها (درحدود۷۷ نظامنامه] در عرصه های مختلف شئون اجتماعی واقتصادی و حقوقی زد که نخستین آن تصویب قانون اساسی «نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان» با عالی ترین مبادی حقوقی بود.

محقق بلندپایه افغان،داکتر عبدالرحمن زمانی، مقاله ای دارد تحت عنوان «اصلاحات علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش؟»(در چار بخش). نویسنده در این مقاله بحال نویسندگانی افسوس میکندکه هنوزهم تفاله تبلیغات یکصد سال قبل انگلیس را علیه امان الله خان نشخوار می‌کنند. این مقاله بجواب آقای باری جهانی نوشته شده که علت سقوط امان الله را اصلاحات قبل از وقت دانسته است.

داکتر زمانی مینویسد:«با وجود یکه درین اواخر خوشبختانه کتب متعددی پیرامون ظهور و سقوط سلطنت غازی امان الله خان و علل آشکارو پنهان شکست نهضت امانی و پیامد های آن به نشر رسیده اند ، متأسفانه بنظر میرسد که عده از نویسندگان و مورخین محترم ما تاحال نتوانسته اند خود را از ساحهٔ نفوذ تبلیغات تخریبی استعمار انگلیس رها کنند . اگر دیروز با استفاده از اعتقادات مذهبی عوام، و فعالیت رهبران مذهبی به عنوان ابزار علیه رژیم امانی استفاده شد، امروز هم عده ی از قلم بدستان ما یا ناآگاهانه و یا هم شاید آ گاهانه برای تبرئه نمودن عناصری که درخدمت استعمار قرار داشتند، بشکل دیگری به ترور شخصیت غازی امان الله خان ادامه میدهند.

آنها چون امروز دیگر نمیتوانند ادعا کنند که برای دست داشتن استعمار انگلیس در سقوط نهضت امانی سندی را مشاهده ننموده اند، اینبار با تکرار تبلیغات دشمن ، از اصلاحات امانی بحیث حربه استفاده میکنند . امیدوارم با بازنگری موضوعات اصلاحات و اغتشاشات بتوانم درین زمینه معلوماتی را خدمت هموطنان عزیز خود تقدیم کنم.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

شاه امان الله خان در همان اعلامیهٔ تاریخی ۲۸فبروری۱۹۱۹خود راجع به اهدف عمده سلطنت خود گفته بود :«وقتی که ملت بزرگ من تاج شاهی را بر سر من نهاد، من عهد بستم که بایستی دولت افغانستان مانند سایر قدرت های مستقل جهان در داخل و خارج کشور آزاد و مستقل باشد. ملت افغانستان درداخل کشور آزادی کامل داشته از هر گونه تجاوزو ظلم مصئون و مردم فقط باید مطیع قانون باشند و بس. کار اجباری و بیگاردر تمام رشته ها ممنوع و ملغی است . حکومت ما در افغانستان اصلاحاتی خواهد نمود که ملت و مملکت ما بتواند در بین ملل متمدن جهان جای مناسب مقام خود را حاصل نماید . من در اجراآت امور کشور مشورت را به حکم و شاور هم فی الامر رهبر قرار خواهم داد."

زمانی از قول یکی از شعرای معاصر زبان پشتونقل قول میکندکه گفته است:« در تاریخ افغانستان هیچ پیشوایی مثل امان الله خان به ملت و ترقی اش آنقدر علاقهٔ دیوانه وار، عمیق، صمیمانه و صادقانه نشان نداده است . علاقهٔ امان الله خان برای سعادت، عصری ساختن و ترقی ملتش، علاقهٔ یک شاه نه، بلکه علاقهٔ یک شاعر، هنرمند و نقاش بود که بیشتر با احساس افاده میشد. ولی از آنجائیکه ملت های خفته زبان احساس هنرمندان و شاعران خود را دیر درک، میکنند، همانطور هم احساسات نیک و علاقهٔ پاک، این شاه وطن دوست خود را هنگامی درک کردند، و اشک ندامت و افسوس ریختند که او دیگر از آنها و آغوش گرم کشور عزیزش، که تا سرحد جنون به آن عشق می ورزید، بسیار دور رفته بود وامکانات باز گشتش وجود نداشت. وی دیگر با وجودی که حیات داشت، برای ملتش مرده بود، وآن زبان هائی هم که به ذکرش گشوده میشدند، یکی بعد دیگر قلم شدند.» (غازی امان الله خان دافغانستان د خپلواکۍ ستوری، ص ۱۸۳)

داکتر زمانی علاوه میکند:«غازی امان الله خان، ریفورم و اصلاحات را از شخص خود، اعضای خانواده خود،دربار و مامورین بلند پایهٔ دولت آغازنمود. آتشهٔ نظامی سفارت انگلیس در کابل، در یکی از راپورهای خوداز مزاحمتی یادآوری میکند که تخریب دیوار باغ ها بمنظور زیبائی شهر در ناحیهٔ مسکونی شهر کابل ایجاد کرده و آ ن قسمتی از ملکیت علیا حضرت مادر شاه، سردار عنایت الله خان برادر شاه وسپهسالار محمد نادرخان را در بر میگرفت. » (اسناد آرشیو هند بریتانوی، یادداشت های آتشهٔ نظامی سفارت کابل، ۱۹۲۳ ،۳۷.)»

داکتر زمانی «اهداف اصلاحات» امانی را چنین شرح میدهد:

«به پیروی از آرمانهای جنبش مشروطه خواهی، که امواج آن در رساندن امان الله خان به کرسی اقتدار نقش داشت،ایجاد یک نظام جدید سیاسی از اولویت های امان الله خان بود. خواسته های جوانان افغان در پهلوی حصول استقلال کامل سیاسی کشور، اصلاحات در امور اداری و تشکیل یک حکومت مشروطه، که شاه در آن مطلق العنان نباشد و مردم هم در تصمیم گیری نقش داشته باشند، را در برداشت. گرچه مشروطه خواهان تاسال ۱۹۲۸موفق به تشکیل کدام حزب سیاسی نشدند،اما آزادانه به فعالیت های سیاسی خود دوام داده و روحیهٔ انتقاد و قضاوت آزاد در برابر دولت را در بین

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

جوانان پرورش دادند . (بقول غبار، هیچ کدام از روشنفکران سیاسی افغانستان در دوران دولت امانی به حبس سیاسی یا اعدام محکوم نشدند.)

غازی امان الله خان کوشید تا توسط سلسله‌ای از پلان های انکشافی و اصلاحی، افغانستان را به یک کشور پیشرفته ومدرن، غیروابسته و متکی بخود تبدیل کند. اهداف عمده اکثر نظامنامه ها توجیه و ایجاد یک سیستم ادارهٔ مرکزی در سطوح مختلف ملی، و لایتی، ولسوالی و حتی دهات بود . هدف بعضی از نظامنامه ها هم ازدیاد عواید دولتی،بهتر ساختن جمع آوری مالیه، بهبود امنیت، ارائه خدمات بسیار مهم (بشمول معارف و مکاتب نسوان، مطبوعات، ورفاه عامه)، و اصلاحات کلتوری و اجتماعی بود، تا هویت ملی افغان ها را در سطح جهانی تثبیت کند.»(داکتر زمانی،آرشیف مقالات، اصلاحات امانی علت اغتشاش یا قربانی اغتشاش(قسمت اول)، افغان جرمن آنلاین،۲۰۱۲)

دانشمند افغان، داکتر سید عبدالله کاظم، در بارهٔ تحولات واصلاحات گسترده عصر امانی مینویسدکه:« با وجود شورش خوست و مصروفیت دولت در رفع آن که موجب ضیاع بزرگ مالی و نظامی دولت گردید، در مدت هشت سال اول سلطنت آنقدر چشمگیر بود که مخالفان به قبول آن تن دادند و موافقت کردند.شاه امان الله غازی بعد از حصول استقلال کوشید تا برخرابه های نظام کهنه قبایلی[فیودالی]، شالوده یک دولت عصری را برمبنای قانون ونظم به وجود آورد، اصلاحات اداری درداخل اورگان حکومت، انفاذ قانون اساسی واحترام به آزادیهای فردی، وضع قوانین ونظامنامه ها درساحات مختلف (بیش از ۷۰ نظامنامه)، رجوع به نظرمردم وفراخواندن لویه جرگه به حیث یک مرجع عالی تقنینی، اصلاحات امورمالی، توجه به امورمعارف وبرای اولین بار افتتاح مکاتب نسوان وتساوی حقوق زن ومرد، ازبین بردن امتیازات ومعاشات مستمری بعضی خانواده ها والقاب شان، همه از جمله نوآ وریهای مهم وبسیار عمیق بودند. مسلم است که بسیاری ازاین نوآوریها به منافع کلی طبقات صاحب امتیاز ازجمله خوانین، زمین دارها، خانواده های اشرافی وبه خصوص یک عده روحانیون محافظه کار و متعصب صدمه رسانید وبه تحریک انگلیس ها که مثل پلنگ زخمی از استقلال خواهی شاه امان الله واثرات آن در سرزمین هند درصدد انتقام از او بودند، قیام خوست را براه انداختند وآنرا به یک جنگ تمام عیار درمقابل دولت تبدیل کردند تا بدانوسیله افغانستان را از مسیر تحول مزید باز دارند وبار دیگرآتش جنگ داخلی را درکشور شعله ورسازند. واضح است دریک جامعه عنعنوی و شدیداً محافظه کار که ذهنیت عامه تحت الشعاع ارزش های قبیلوی قرار دارد و برای مشروعیت و پایداری این ارزشها، رنگ و خصلت دینی و مذهبی داده میشود و اعتبار آن تا سرحد تقدس بالا میرود ، هرنوع نوآوری و اصلاحات تجددگرایانه به مثابه نفی این ارزشها و درنهایت توهین به ذهنیت عامه و عنعنات مربوطه تلقی میگردد. درقبال این وضع وقوع برخوردها و جدال عمیق بین عنعنه گرایان و تجددخواهان که بعضا منتج به جنگ و خونریزی ً میشود ، یک پدیده غیرقابل انکاراست ، مگرآنکه جناح تجدد گرا چنان قوی و مجهز با وسائل و امکانات جهت تطبیق نوآوریها باشد که توان قیام و مقاومت را بوسیلهٔ فشار، ترس و ارعاب و حتی قتل و کشتار از مخالفان سلب نماید ، چنانچه امیرعبدالرحمن خان در دورهٔ سلطنت خود در جهت تأمین نظم و ثبات و تطبیق اصلاحات از این شیوه کار گرفت. همچنان در دهه دوم قرن بیستم هنگامیکه سه کشور مسلمان هریک ترکیه، ایران و افغانستان تقریباً همزمان راه تحول و تجدد را پیش گرفتند، دو کشور اول الذکر با استفاده از قدرت نظامی و سرکوب گر دولت، اصلاحات را به منصهٔ اجرا گذاشتند و عنعنه گراها نتوانستند برضد آنها قیام کنند. در افغانستان شاه امان الله خواست برنامه های اصلاحی خود را فقط به

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

استدلال و منطق از طریق صحبت و ارشاد عملی سازد و حتی بسیار کوشید تا مشکالت ناشی از شورش"خوست" را از همین طریق حل کند که متأسفانه نتیجه نداد . (دیده شود بیانیهٔ مبسوط شاه امان الله غازی درپایان لویه جرگه درمورد قیام خوست، کتاب: رویداد لویه جرگه دارالسلطنه ۱۳۰۳)" داکتر کاظم درادامه علاوه میکند:« اینکه قیام را صرفا نتیجه نوآوریهای بی لزوم و حساسیت برانگیز فوق الذکرپس از برگشت شاه از سفر بدانیم تا حدی اشتباه است، قبل از اعلام چنان نوآوریها دامنهٔ توطئه ها علیه رژیم درغیاب شاه گسترده شده و تبلیغات وسیع بوسیلهٔ دشمنان نظام به تحریک و حمایت مستقیم و غیرمستقیم انگلیسها براه افتاده بود . شواهد زیاد ی مبنی بر تحریک مردم علیه شاه از ماورای سرحد و تجمع بعضی شخصیت های"نمک ناشناس" دیگر در اطراف حضرت مجددی نورالمشایخ در دست است که نمیتوان ازآن آنکار کرد.»

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/kazem_sa_comment_bari_jahani_article.pdf

نویسنده وتحلیلگر دیگر افغان آقای میرعدالواحد سادات در رابطه به جایگاه تاریخی شاه امان الله مینویسد:« **از امیر شیر علیخان و شمس النهار که جدل تاریخی سنت و تجدد مطرح میگردد و با جنبش مشروطیت اول و دوم و با انفاذ نخستین قانون اساسی و تاسیس اولین دولت دولت ملی که جدل تاریخی علم و جهل در مفاهیم مشروعه و مشروطه مطرح میگردد ، جایگاه تاریخی و پر افتخار شاه امان الله با مفاهیم استقلال ، بانی قانون اساسی و بنیاد گذار دولت ملی ، معمار قانون سالاری ، ازادی و ... مدنیت ، حیات مدنی و مدرنیزیم مشخص میگردد .** که در جانب مقابل دشمنان ترقی و تمدن به تحریک استعمار انگلیس و زیر نام مدافعان شریعت قرار دارد که ملای لنگ و بعدا حبیب اله کلکانی سمبول های آن آست و از همان زمان و طی صد سال اخیر و تا کنون همین دو خط اصلی تاریخی به اشکال متفاوت تداوم دارد .

معلوم دار است که شاه امان الله نیز مرتکب اشتباهات گردیده است که نقاد منصف و نقد علمی انرا با نظر داشت روح همان زمان بررسی مینماید که متاسفانه اکثرأ ما افغانان بدور ازین شیوه علمی بدور ، به سپید و سیاه سازی ، نفی ویا بت سازی عادت کرده ایم . انچه در احوال کنونی مبرمیت دارد این واقعیت است که : بدون درک دقیق از مفاهیم دولت ملی ، حاکمیت قانون و ازادی و مبارزه تاریخی مشروطه خواهان و شاه امان اله ما هیچگاهی نخواهیم توانست بر منجلاب کنونی فایق آییم و در برابر اخلاف ملای لنگ و دشمنان ترقی افغانستان موفق گردیم . »(کامنتی درپای مقاله «ارواح خبیثه»)

در برگهٔ فیسبوک "کابل شهر رویا های ویران" دربارهٔ شاه امان الله نوشته شده «او کسی نیست که مهره های برخاسته از گیر و دار تشنج ها و خانه جنگی ها او را لقب و مقام قهرمانی بدهد و یا از او این القاب را بگیرد، او بانی استقلال است. او غازی نبرد استعمار است. او اغاز گر عدالت اجتماعی است. ایجاد گر پیشرفت و مدنیت است . پشت پا زننده تاج و تخت است. آغاز گر مبارزه از فامیل خود است. مرد منوریست که تابو شکن است. هنجار شکن است. عیاری است از رگ شاهانه که انتخاب زندگی درویشانه را کرد ،مرد فرزانه کشور امان افغان افتخار افغانستان جای تو در قلب انسان های روشنفکر وطن دوست و عدالتخواه همیشه جاودان است.»(۲december -۲۰۱٦)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ